

نقش طاعت خدای تعالی در مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز

□ محمد موسی حمیدی *

چکیده

این مقاله با هدف تبیین نقش طاعت خدای تعالی در مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز با روش توصیفی - تحلیلی، نگارش یافته و یافته‌های آن نشان می‌دهد که طاعت خدای تعالی با تحت تأثیر قراردادن متغیرهای زمینه ساز، روند مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بردگی نفس و شیطان و عدم نگاه بصیرتی به دنیا که نافرمانی خدای تعالی را در پی دارد از مهم‌ترین چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز است. طاعت خدای تعالی با اصلاح بینش و گرایش مادی و انحرافی متریان، آن‌ها را از تاریکی‌های شرک، جهل و معصیت، خارج گردانیده، نگاه آنها را به درک حقیقت ربوبیت الهی و باطن دنیا و مشاهده شکوه و جلال هستی معطوف می‌دارد. با طاعت خدای تعالی معرفت فطری‌تری قویتر و زنده‌تر می‌شود و او قدم در وادی توحید نهاده، حقیقت ربوبیت الهی و تعلق و ربط بودن خود را به او با چشم دل و نور باطن می‌بیند و دل به عشق پروردگار می‌سپارد و در دنیا و آخرت تحت ولایت الهی قرار می‌گیرد و فیوضات و برکات او را از قبیل هدایت، توفیق و تسدید و تأیید، نصیب خود می‌کند و سر انجام در بهشت رضوان او جای می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، عبادت، طاعت، حیات معنوی، چالش‌ها.

۱. مقدمه

برای شناخت حیات و نیازهای حقیقی انسان و اندیشه‌ها و گرایش‌ها و رفتارهای او، چاره‌ای جز تمسک به معارف الهی و اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌باشد. در معارف الهی و اهل بیت علیهم‌السلام انسان از آن جهت که دارای فطرت و روح الهی است و با طاعت و عبادت خدای تعالی در سیر معنوی و تکامل روحی به قرب الهی نایل می‌شود، مورد تکریم و ستایش است. خدای تعالی برای انسان دو قلب نیافریده است تا یکی جای محبت و بندگی او و دیگری جای دل بستگی و بردگی نفس و دنیا و شیطان باشد. خدای تعالی می‌فرماید: "ما جعلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ" (احزاب: ۴)؛ خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده است. علامه طباطبایی می‌فرماید: "اگر دو اعتقاد متنافی دیدیم باید بدانیم که دو قلب به آن دو معتقد است و ممکن نیست یک فرد به هر دو معتقد باشد ... طاعت خدای تعالی با طاعت کفار و منافقین تنافی دارد؛ چون قبول ولایت خداوند و ولایت آنها متنافی است؛ مثل توحید و شرک، که در یک قلب جمع نمی‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۷۴).

بشر بحسب فطرت و روح الهی خویش تحت تأثیر جاذبه‌ها و کشش‌های ماورای مادی قرار دارند اما بحسب نفس حیوانی و شئون ادراکی؛ مانند حس، واهمه و متخیله و شئون تحریکی؛ چون شهوت و غضب، میل انحرافی به شرّ و تباهی دارند. بشر چون در عالم طبیعت زندگی می‌کنند و میل انحرافی به فساد و گناه دارند، برخی با نفوذ و وسوسه‌های شیطان دچار غفلت و گمراهی و فساد و نافرمانی خدای تعالی می‌شوند.

از جانب خدای رحمان جز خیر و رحمت نازل نمی‌شود. خدای تعالی جز به خوبی دستور نداده و جز از زشتی باز نمی‌دارد؛ ولی بشر به سوء اختیار خود دچار بروز و ظهور چالش‌های تحقق حیات معنوی در جهان امروز می‌شوند. چنانکه روشن است، رحمت الهی متعلق به طاعت او و غضب الهی متعلق به معصیت او می‌باشد؛ نسبت معصیت به طاعت نسبت ظلمت است به نور، یعنی نسبت عدم به ملکه. امیرمؤمنان علیه‌السلام که دروازه شهر علم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است می‌فرماید: "جزاین نیست که دنیا منتهای دیدکوردل است، چیزی ماورای آن را نمی‌بیند، و بینا نگاهش را از آن عبور می‌دهد و می‌داند در پی آن، سرای اصلی قرار دارد ...

دنیا برای شما شیرین نبود و به نوشیدن شیر از پستان دنیا دست نیافتید مگر موقعی که رسول خدا ﷺ از میان شما رفت ... ارتکاب حرام نزد گروهی از شما خیلی آسان، مثل استفاده از درخت سدر بدون خار بود، ولی انجام کارهای حلال برایتان دور و غیر ممکن به نظر می‌رسید ... بندگان خدا! تکیه به نادانی‌های خویش نکنید و مطیع هوای نفس خود نباشید. زیرا کسی که چنین منزلگاهی برای خود انتخاب کند مثل کسی می‌ماند که در کنار رودی که سیل زیر آن را خالی کرده منزل گزیده است ... (شریف رضی، ۱۴۱۴، خ، ۱۳۳؛ خ، ۱۰۴).

به این ترتیب، سؤال پژوهش عبارت است از: طاعت خدای تعالی چگونه می‌تواند روند مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت و حیات معنوی در جهان امروز را تحت تأثیر قرار دهد؟ کتب و مقالات منتشرشده در این موضوع گرچه به تبیین جایگاه معنویت و موانع حیات طیبه و بیان آثار توحید و باورها و ارزش‌های الهی پرداخته ولی کمتر به تبیین نقش طاعت خدای تعالی در مواجهه با چالش‌های تحقق حیات معنوی در جهان امروز توجه کرده‌اند. به دلیل آنکه آثاری به صورت مستقل، جامع و نظام مند، در این باره، یافت نشد، در یافتن پاسخ، اطلاعات لازم با محوریت معارف اهل بیت علیهم‌السلام گردآوری می‌شود و با رویکرد درون دینی و روش توصیفی - تحلیلی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. طاعت خدای تعالی

کلمه «طاعت» در لغت به معنای انقیاد و فرمانبری است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۹). طاعت خدای تعالی به معنای فرمانبری از وحی است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «تردید نیست که خدای تعالی از این دستور که مردم او را اطاعت کنند منظوری جز این ندارد که ما او را در آنچه از طریق پیامبر عزیزش به سوی ما وحی کرده اطاعت کنیم و معارف و شرایعش را به کار بندیم ... بر مردم واجب است که رسول خدا را در دو ناحیه اطاعت کنند، یکی ناحیه احکامی که به وسیله وحی بیان می‌کند، و دیگر احکامی که خودش به عنوان نظریه و رأی صادر می‌نماید... اما اولی الامر، بهره‌ای از وحی ندارند، اطاعت آنان بر مردم واجب است،

همان طور که اطاعت رسول خدا ۹ بر مردم واجب است" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۸۸).

طاعت خدای تعالی اعم از عبادت او می باشد؛ یعنی هر عبادتی، اطاعت است، ولی هر اطاعتی، عبادت نمی باشد. عبادت خدای تعالی عملی است که به قصد قربت انجام می شود و عبودیت و مملوکیت عبد را می نمایاند. علامه طباطبایی می فرماید: "کلمه عبد به معنای انسان و یا هر دارای شعور دیگریست که ملک غیر باشد. خدای تعالی مالکیتش نسبت به بندگان مشوب با مالکیت غیر نیست ... معنای کلمه عبادت خضوع نیست، خضوع لازمه معنای عبادت است؛ عبادت نشان دادن مملوکیت برای پروردگار است که با استکبار نمی سازد، ولی با شرك می سازد ... عبادت یا از باب امید و طمع به خیرات، و یا از باب ترس از شرور و یا از باب شایستگی معبود است ... چون شایستگی اینکه دیگران برای کسی خاضع شوند جز به خاطر کمالی که در آن کس هست نمی باشد و آن کمال یا عبارت است از جمالی که نفس به سوی آن مجذوب می شود و یا جلالی که عقل در برابرش زمین ادب می بوسد و قلب از خود بیخود می گردد، و چون هیچ جمالی در هیچ موجودی نیست مگر آیتی از جمال خدای تعالی و هیچ جلالی نیست مگر قطره ای از دریای بیکران جلال او، پس اوست خدای یکتایی که غیر او معبودی نیست" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲؛ ج ۱۴ ص ۱۲۴).

۲-۲. حیات معنوی

کلمه «حیات» ضد «موت» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۸۳). حیات هر چیزی به معنای مترتب شدن آثار مطلوب بر آن می باشد. علامه طباطبایی می فرماید: "زنده شدن زمین به معنای آن است که زمین سرسبز گردد، بر خلاف زمین مرده که این اثر بر آن مترتب نمی شود. زنده بودن عمل عبارت است از اینکه غرض مطلوب از آن حاصل شود. زنده بودن انسان عبارت است از اینکه در مجرای قرار داشته باشد که فطرت، بسوی آن هدایت می کند، مثل اینکه دارای عقلی سلیم و نفسی زکیه و مهذب باشد، و به همین جهت است که قرآن کریم، دین را حیات بشر خوانده است" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۵۲).

کلمه «معنوی» منسوب به معنی، در لغت به معنای باطنی و حقیقی است (معین، ۱۳۴۲،

ج ۳، ص ۴۲۴۴). علامه طباطبایی درباره معنای حیات معنوی و حقیقی می‌فرماید: "برای حیات يك معنای دیگری است دقیق‌تر از آن معنایی که به نظر ساده و سطحی انسان می‌رسد، چون در نظر سطحی، حیات عبارت است از زندگی دنیوی از ولادت تا مرگ که دورانی است توأم با شعور و فعل ارادی که نظیرش و یا نزدیک به آن در حیوانات نیز یافت می‌شود، ولیکن برای آدمی يك زندگی حقیقی هست که اشرف و کامل‌تر از حیات دنیوی است و این حیات حقیقی، جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترکند نیست، در عین اینکه غیر آن است با همان است؛ کسی که دارای آنچنان زندگی است دو جور زندگی ندارد، بلکه زندگیش قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است.. این معنایی است که این آیه به آن اشاره نموده است: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ" (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید استجابت کنید دعوت خدا و رسول را وقتی شما را دعوت می‌کنند به چیزی که شما را زنده می‌کند" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۴؛ ج ۱۰، ص ۲۰۹).

۲-۲. چالش تحقق تربیت معنوی

کلمه «چالش» در مورد آسیب و آفت، مانع و مشکل، تمرد و نافرمانی، جنگ و جدال، اختلاف و تعارض، مبارزه و تلاش و تهافت رأی به کار رفته است (قوام، ۱۳۷۹، صص ۷-۲۵). چالش عبارت است از: "شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد" (ذوعلم، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

خدای تعالی هنگامی که پرده از شخصیت درونی انسان بر می‌دارد، به دو عنصر معنویت (تقوا) و ضد معنویت (فجور) که برای او الهام شده، اشاره نموده و می‌فرماید: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا* وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا" (شمس: ۹-۱۰)؛ هرکس نفس خود را تزکیه کرد، رستگار شد و آن کس که نفس خویش را آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! علامه طباطبایی می‌فرماید: "انسان اگر از راه راستی که فطرت او را به آن دعوت نموده و هدایت و الهام الهی به سوی آن سوق می‌دهد منحرف شود، قطعاً به حیات و زندگی حقیقی نمی‌رسد... اشتغال به زندگی دنیوی حجابی است

میان آدمی و حیات معنوی. خدای تعالی می‌فرماید: "لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ" (ق: ۲۲)؛ تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! پس معلوم شد: برای انسان زندگی دیگری است که، به زودی پرده از رویش برداشته می‌شود، و آن زندگی است که دیگر مشوب و آمیخته با لُهو و لعب و لغو و گناه نیست، و در آن آدمی جز به نور ایمان و روح عبودیت سیر نمی‌کند... اگر انسان غیر خدا یعنی شیطان‌های جنی و انسی و یا هوای نفس را اطاعت نکند هرگز اقدام به هیچ معصیتی نمی‌کند... " (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۷۹؛ ج ۱۲، ص ۳۴۳).

به این ترتیب، مقصود از چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز، بردگی نفس و شیطان و عدم نگاه بصیرتی و ابزاری به دنیا است که موجب معصیت و نافرمانی خدای تعالی و مانع فلاح و رستگاری و رسیدن آدمی به حیات معنوی می‌شوند.

نقش طاعت خدای تعالی

در مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز، نقش طاعت خدای تعالی در دو محور قابل بررسی است:

۱. تأثیر بر شناخت و بینش

کلمه «بینش» به معنای بصیرت و نگاه و نظر است (معین، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۶۴). کلمه «بصیرت» به معنای بینایی و روشنایی شیء است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۳). علامه مصباح می‌فرماید: "بصیرت، واژه‌ای عربی، و تقریباً معادل «بینش» در فارسی است... موارد استعمال بصیرت غالباً در بینش باطنی است که در پرتو تجلی نور الهی در قلب حاصل می‌شود؛ نوری که خداوند به قلب مؤمن می‌تاباند و با آن نور، او را از تاریکی جهل خارج می‌گرداند... شرط دستیابی به چنین معرفت و عرفانی، تمرین بندگی خدا و عمل به دستورهای اوست... مؤمنان صالح دلشان در اثر تمرکز و حضور قلب در عبادت و طاعت خدا، با خدا آشنا تر می‌شود و معرفت فطریشان صیقل می‌خورد و جلوه‌گر و قویتر و روشنتر و بیدارتر و زنده‌تر می‌شود... در این حال مشاهده می‌کند که حقیقتاً هیچ اراده و تأثیری و هیچ حرکت و سکونی جز به وجود

خداوند موجود نیست... آنچه موجب محرومیت انسان از آن بینش معنوی می‌شود، شبهاتی است که غالباً شیاطین القا می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا عقل و فطرت انسان، با نور بصیرت باطنی آنچه را که باید، ببیند" (مصباح، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ۱۳۹۳، ص ۱۱؛ ۱۳۹۲، ص ۱۷۵).

شیطان برای تسلط یافتن و ایجاد شبهه کردن در واقعیات و آمیختن حق و باطل از راه هوای نفس آدمی و زیبا جلوه دادن دنیا، درد دل پیروان خود لانه نموده و تخم گذاری و جوجه پروری می‌کند؛ آنگاه دوستان شیطان معجری دستورها می‌او، می‌شوند؛ به گونه ای که شیطان با چشم آنها نگاه می‌کند و با زبان آنها سخن می‌گوید. امیرالمؤمنین ۷ می‌فرماید: "ابلیس خداوند را شش هزار سال عبادت نمود که معلوم نیست از سالهای دنیاست یا از سالهای آخرت. اما با ساعتی تکبر همه را نابود ساخت... ای بندگان خدا از این دشمن خداوند بر حذر باشید نکنند شما را به بیماری خودش مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت وا دارد... شیطان در سینه آنها تخم گذاری و جوجه پروری کرد... تا آنجا که با چشمانشان نگاه کرد و با زبانهایشان سخن گفت، آنگاه آنها را به انجام دادن گناهان و خطاها تشویق کرد. اینها هم شریک او شدند و هرچه او می‌خواست انجام دادند..." (شریف رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۹۲ صص ۲۸۶-۲۸۸؛ خ ۷ ص ۵۳).

انسان همانگونه که در حیات ظاهری نیاز به راهنما دارد در حیات معنوی نیز محتاج به امام هدایت است. هدایت امام دست خلق گرفتن و به حق رساندن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۰۴). امیرالمؤمنین ۷ می‌فرماید: "به اهل بیت پیامبر ۹ بنگرید، از آن سمت که آنها گام برمی‌دارند منحرف نشوید و قدم بجای قدمشان بگذارید، آنها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند، اگر سکوت کنند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید، از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید... من یاران پیامبر ۹ را دیدم ولی از شما کسی را نمی‌بینم همانند آنها باشند. آنان صبح ژولیده مو و غبار آلوده و شب را بیدار به سجده و قیام می‌گذرانند پیشانی آنها از سجده‌های طولانی پینه بسته بود... هرگاه نام پروردگار برده می‌شد آن قدر می‌گریستند که گریبانشان تر می‌شد و از وحشت رستاخیز همچون شعله‌های آتش لرزان بودند چرا که نگران کيفر اعمال بودند" (شریف رضی، ۱۴۱۴، خ ۹۷؛ خ ۱۴۷).

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: خدای تعالی می‌فرماید: "هرکس به یکی از دوستان من بی‌حرمتی کند به من اعلان جنگ کرده است؛ و نزدیک نشد بنده‌ای به من به چیزی که محبوب‌تر از انجام اعمالی باشد که بر او واجب کرده‌ام؛ و او با انجام مستحبات تا آنجا نزد من مقرب می‌شود که او را دوست می‌دارم. پس وقتی او را دوست داشتم گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و زبان او می‌شوم که با آن سخن می‌گوید، و دست او می‌شوم که با آن کار انجام می‌دهد. اگر مرا بخواند او را اجابت می‌کنم؛ و اگر از من چیزی بخواهد به او عطا می‌کنم" (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۷).

علامه طباطبایی می‌فرماید: "قرب خدای تعالی حاصل نمی‌شود مگر وقتی که عبد تابع محض باشد، و اراده و عملش را تابع اراده مولایش کند، هیچ چیزی نخواهد، و هیچ عملی نکند، مگر بر وفق اراده مولایش، و این همان داخل شدن در تحت ولایت خداوند است. پس اولیای الهی و مقربان کسانی هستند که از پروردگار خود در حجاب نیستند، یعنی در دل، پرده‌ای مانع از دیدن پروردگارشان ندارند، و این پرده عبارتست از معصیت و جهل، و شک و ریب، بلکه آنان اهل یقین بخدا هستند، و کسانی هستند که علین را می‌بینند، چنانکه دوزخ را می‌بینند" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، صص ۱۲۰-۱۲۲).

۲. تأثیر بر میل و گرایش

گرایش و میل درونی انسان حاصل بینش فکری و نوع نگاه او به جهان هستی می‌باشد. بینش توحیدی، انسان را تحت تأثیر جاذبه‌های ماورای مادی که فطری هستند قرار می‌دهد و به سمت خدای تعالی می‌کشاند و نگاه مادی، انسان را تحت تأثیر هوای نفس و شیطان قرار می‌دهد و هرچه را که می‌نگرد در همین ظاهر خلاصه می‌کند و هیچ مسئولیتی را در برابر فرمان‌های الهی نمی‌پذیرد. خدای تعالی می‌فرماید: "فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ" (نجم: ۲۹-۳۰)؛ حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن! این آخرین حد آگاهی آنهاست پروردگار تو

کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند بهتر می‌شناسد، و (همچنین) هدایت‌یافتگان را از همه بهتر می‌شناسد!

معرفت خدای تعالی که از طاعت او حاصل می‌شود با محبت او، اثر متقابل برای تکمیل همدیگر دارند؛ یعنی مرتبه‌ای از معرفت، موجب مرتبه‌ای از محبت و مرتبه‌ای از محبت، انگیزه و موجب راه یافتن به مرتبه بالاتر از معرفت می‌شود. جایگاه محبت و حیات معنوی، قلب انسان است. قلب که به اعتبار تصرف و توقد، "قلب" و "فئواد" نامیده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۷۹؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۸۲)، با نافرمانی و فراموشی خدای تعالی، بیمار و مضطرب گردیده و می‌میرد و با طاعت و یاد خدای تعالی، سلامت و آرامش یافته و زنده می‌شود. معرفت و شناخت خدای تعالی، چنانکه تحت تأثیر طاعت خدای تعالی است، محبت و عشق به خدای تعالی تحت تأثیر معرفت و شناخت او بوده و هرگز با دوستی و مودت با دشمنان خدای تعالی در یک قلب جمع نمی‌شود. خدای تعالی می‌فرماید:

"لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَدَخَلَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (مجادله: ۲۲)؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند آنها «حزب الله» اند بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارانند.

اهل ولایت و حزب الله از بردگی نفس و شیطان به مقدار طاعت و عبودیت خدای تعالی رهایی یافته و به کرامت می‌رسند. امیرالمؤمنین ۷ می‌فرماید: "خوشا به حال آن کسی که به تکلیف الهی خویش عمل می‌کند و با سختی‌ها در نهایت شکیبایی می‌سازد و شب زنده‌دار

است و از خوابیدن دوری می‌نماید و تا آن زمانی که خواب بر او غلبه کند زمین را فرش و دستش را بالش قرار دهد. همانهایی که ترس روز قیامت دیدگان‌شان را بیدار نگه داشته و پهلوهایشان را از خوابگاه‌هایشان دور ساخته و لب‌هایشان به ذکر و یاد پروردگارشان آهسته گویاست. و به خاطر آنکه زیاد استغفار می‌کنند گناهانشان زدوده شده است «آنان حزب خدایند و بدانید که حزب خدا پیروز و رستگار است» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴، نامه، ۴۵).

طاعت خدای تعالی در مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز، موجب مصونیت انسان از گرایش و میل انحرافی به دنیا و دشمنان خدای تعالی می‌گردد. رسول خدا ۹۱ می‌فرماید: «همانا برادری و دوستی مردم امروز بیشتر در باره دنیا است، بر اساس آن به یک دیگر اظهار دوستی می‌کنند، و بر همان اساس به یک دیگر خشم و کینه می‌ورزند، و این کار از پروردگار بی‌نیازشان نمی‌سازد... رسول خدا در حالی که به علی ع اشاره می‌نمود؛ فرمود: آیا این مرد را می‌بینی و می‌شناسی؟ عرض کرد: بلی، فرمود: او دوستدار خداست پس دوستدار او باش، و دشمن این مرد دشمن خداست، با دشمن او دشمنی نما، و با دوستدارش پیوستگی و دوستی کن، گرچه او قاتل پدر و فرزند تو باشد، و با دشمن این مرد دشمنی کن؛ اگر چه او پدر و اولاد تو باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۳۶).

نتیجه

از آنچه گذشت موارد ذیل را می‌توان نتیجه گرفت:

۱. طاعت خدای تعالی با تقویت معرفت فطری و اصلاح بینش مادی و گرایش انحرافی بشر به زینت و متاع اندک دنیا، آنها را از بردگی نفس و شیطان و حسیض نقص‌رهای داده به بندگی خدای سبحان و حیات معنوی می‌رساند؛

۲. در معارف الهی و اهل بیت ع، رسیدن به حیات معنوی با رهبری و راهنمایی امامان هدایت‌ممکن و میسور می‌گردد؛

۳. طاعت خدای تعالی و اطاعت رسول خدا ۹۱ و ائمه هدی: با ایجاد و تقویت بینش معنوی و نور هدایت در دل اهل ایمان، موجب پذیرش ولایت امامان هدایت‌و مصونیت از سلطه

شیطان و حکومت طاغوت می‌شود؛

۴. طاعت خدای تعالی در مواجهه با چالش‌های تحقق تربیت معنوی در جهان امروز، یک راهبرد عملی است برای رهایی از کوردلی و دل‌مردگی، بی‌هدفی و سرگردانی، یأس و ناامیدی، اضطراب و ناامنی، شقاوت و بدبختی، جهل و تاریکی‌هایی که از بردگی نفس و شیطان و دنیا و فراموشی و نافرمانی خدای تعالی و اولیای الهی ناشی می‌گردند؛

۵. متریان در جهان امروز با طاعت خدای تعالی می‌توانند در اندیشه، انگیزه و گفتار و رفتار، دچار انحراف و کجروی نگردیده، در مسیر کمال و سعادت حقیقی خویش قرار گیرند و صراط مستقیم ولایت را با عشق خالص و نیت صادق و با بی‌زاری و دوری جستن از دشمنان خدای تعالی و انزجار از ظلم و فساد و تبعیض و گناه بی‌مایند و سرانجام به سلامت به مقصد رسیده و در بهشت رضوان الهی جای گیرند.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۴۱۴ق)، شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، قم، هجرت.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و تصحیح هارون عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول.

ذوعلم، علی، (۱۳۸۴ش)، تأملی در واژه «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران، زمانه، ۴ (۳۶).

راغب، حسین (۱۴۱۲ش)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.

فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، هجرت دوم.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹ش) چالش های توسعه سیاسی، تهران: قومس.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چهارم.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۸ش)، معارف قرآن، تحقیق و نگارش: محمود رجیبی، چاپ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____ (۱۳۸۳ش)، در پرتو ولایت، نگارنده، محمد مهدی نادری قمی، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____ (۱۳۹۲ش) سیمای سرافرازان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

معین، محمد، (۱۳۴۲ش)، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.